**مصاحبه فتحعلیشاه قاجار با روحانیون پس از شکست از روس (در چمن سلطانیه)**

**تویسرکانی، پارسا**

همانطور که انتظار داریم آمریکا و کشورهای بزرگ اروپائی نیز به پیشرفت ملت‏های‏ جهان سوم و مستعمرات سابق از راه همکاری صحیح یاری نمایند تا جهانی که در آن زندگی‏ می‏کنیم برای همه مطلوب‏تر و زیباتر جلوه‏گر گردد و جهانیان بجای کوشش در تجهیز خود به سلاح‏های مخوف مدرن به فراهم آوردن وسائل راحتی و خوشی نوع خود بپردازند.

مصاحبه فتحعلیشاه قاجار با روحانیون

پس از شکست از روس(در چمن سلطانیه)

چونکه فتحعلی،شه قاجار گشت مغلوب روس‏های تزار شهرهائی گزین ز دست بداد از در گنجه تا پناه آباد شوشی و ایروان و هشدر خوان‏ شکی و باد کوبه و شروان‏ بردع و نخجوان و آستارا شهر تفلیس و کوته و جلفا وادی و لنکران و انجیران‏ مرز دربند و خطهء اران‏ کوکچای و سیاه باغ و قپان‏ بخشی از کوهسار و دشت مغان‏ بیش از شصت قریه آباد مردمش با دیانت و آزاد داد با این تصور واهی‏ که بماند به دوده‏اش شاهی‏ سرزمین‏ها که خصم از او بر بود سند سرفرازی ما بود مهد زردشت و خانهء ساسان‏ مرز اشکانیان و بوم کیان‏ جای شروان شهان ایرانی‏ مولد بوالهلاء و خاقانی‏ موطن و مدفن نظامی راد گه از ایران نموده اینسان یاد: «هست گیتی چو جسم و ایران دل‏ نیست گوینده زین قیاس خجل» «چونکه ایران دل زمین باشد دل ز تن به بود یقین باشد» الغرض چیره شد چو لشکر روس‏ سپر انداخت در برابر روس‏ بجز این شهرها کز ایران داد مبلغی نقد نیز تاوان داد خاطر شاه از این شکست آشفت‏ داغ دل را به حاضران بد گفت‏ تا خطا کاریش نگردد فاش‏ کرد با عالمان دین،پرخاش که ز من بیش از این نباید خواست‏ نه شکست من،این شکست شماست‏ چشم زخمی اگر به ما برسد نه ز دشمن که از شما برسد لشکر کفر پشت دین بشکست‏ می‏رود رفته‏رفته دین از دست‏ در دعاهایتان اثر نبود دین و ایمانتان مگر نبود؟ یک دعا کرد رهبر اسلام‏ چیره گردید لشکر اسلام‏ صد دعا از برای من کردید این دعاها بلای من گردید جز یکی جمله لب فرو بستند سور خود در سکوت دانستند زان میان احمد نراقی راد\* پاسخی زیر کانه او را داد گفت تنها دعا اثر نکند با دعا خصم،دفع و ظفر بدست آید با سپاه دلاور اسلام‏ گشت پیروز رهبر اسلام‏ هم نبی دست بر دعا برداشت‏ هم علی تیغ همچو آذر داشت‏ شد دعای رسول یار علی‏ چون علی بود و ذوالفقار علی‏ گر دعاها نکرد سود ترا مرد شمشیر زن نبود ترا

«پارسا تویسر کانی»

(\*)-جد مهندس محمد کیوان.

استدعا و باز هم استدعا

بعد از سی و یک سال راه و رسم وصول مطالبات مجله را فرا نگرفتیم. امان از بی‏استعدادی!

از گذشته‏ها سخن نیست که امیدی نیست.از مشترکین که وجه‏ اشتراک سال 1356 را نپرداخته‏اند،و از مشترکین که بهای اشتراک سال‏ جاری 1357 را باید بپردازند خواهش دارد به این استدعای مکرر توجه‏ داشته باشند.ارسال نامه مخصوص،هم وقت می‏طلبد،و هم زحمت دارد و راهی نیست جز یادآوری در مجله.جز این چاره‏ای نیست،بخشایشی!